

بسم الله الرحمن الرحيم

درسنامه سطح سه

موضوع: اسرار و معارف نماز

تهیه شده در موسسه یاران سبز موعود (عج الله تعالی فرجه الشریف)

جلسه دوم

سلام دوستان بحث جلسه گذشته را که یادتان هست؟

یک سؤال

آیا خداوند به تشکر ما نیاز دارد؟

اگر نیاز ندارد، پس چرا به ما دستور داده نماز بخوانیم که به این وسیله از او تشکر کنیم؟

یادآوری: (در این دو سؤال جواب دانش آموزان را می شنویم و بعد خودمان جواب می دهیم)

جواب: هرگز! قدردانی از یک لطف، ارزشی برای ماست و نشانه انصاف ماست، نه این که نشان نیاز خدا به نماز ما باشد. مثلاً اگر معلمی به شاگردش گفت: از زحمات من قدردانی کنید و خوب درس بخوانید، شاگرد نباید خیال کند که خوب درس خواندن او و قدردانی، مورد نیاز معلم است، بلکه کمال شاگرد را می رساند.

یک سؤال دیگر: اگر بناست از نعمت های الهی تشکر کنیم، چرا حتماً نماز بخوانیم؟ چرا هر کس به هر

طریق که خودش دوست دارد و می تواند، خدا را شکر نکند و از او تشکر نکند؟

یادآوری: (در این دو سؤال نیز جواب دانش آموزان را می شنویم و بعد خودمان جواب می دهیم).

جواب: وقتی اصل لزوم تشکر را قبول کردیم، یعنی قبول کردیم که باید از خدا به خاطر نعمت های بی پایانش تشکر کرد، چگونگی آن باید طبق دستور خود خداوند باشد. مثلاً وقتی مراجعه بیماری به پزشک، ضروری تشخیص داده شد، چگونگی مصرف دارو تابع دستور پزشک است. یک خلبان همین که پرواز را پذیرفت، در هر کجای دنیا که خواست با برج مراقبت تماس بگیرد، باید به زبان انگلیسی سخن بگوید. پس نحوه تشکر را باید از دستور الهی و اولیای خدا فرا بگیریم.

سؤال: تشکر در برابر نعمت ها درست، ولی آن که در میان ناگواری ها زندگی می کند، او چرا باید تشکر

کند؟

جواب: اولاً، بیشتر ناراحتی ها به دست خود ما فراهم می آید. مثلاً با رعایت نکردن بهداشت مریض می -

شویم و با درس نخواندن و تنبلی دچار رکود در زندگی می گردیم؛ در انتخاب دوست دقت نمی کنیم و گرفتار می شویم و

ثانیاً، ناگواری ها هم خوب است؛ چرا که انسان را به تلاش و امیدوار کردن استعدادها را شکوفا می سازد.

ثالثاً، تلخی ها را باید در کنار شیرینی ها حساب کرد و بلاها را در کنار نعمت های بی شمار دید.

رابعاً، گاهی سختی ها و بلاها، باعث کمال روح و صیقل خوردن جان و سبب ترقی معنوی می شود و دل ها از

غیر خدا بریده، به او متوجه می شود.

یک نکته مهم

خیلی مواقع خداوند به ما نگفته که کارهایی که برای ما واجب شده، چه فایده‌ای دارد. چرا اینگونه است؟ چند نکته را باید در این زمینه بگوییم.

- 1- خداوند خالق و صاحب اختیار ماست و ما هستیم که به او نیاز داریم و او به ما نیازی ندارد.
- 2- خداوند به عبادت ما احتیاجی ندارد و برای او از این نظر که خداست فرقی نمی‌کند که ما عبادت کنیم یا نه.

گر جمله کائنات کافر گردند بر دامن کبریا نشیند گرد

یعنی اگر هیچ کدام از مردم دنیا هم عبادت نکنند، برای خداوند نقص و ایرادی نیست. مگر همه عبادات مردم چقدر ارزش دارد؟ پیامبر می‌فرماید: **ضَرْبَةُ عَلِيٍّ يَوْمَ الْخُنْدُقِ أَفْضَلُ مِنْ عِبَادَتِ الثَّقَلَيْنِ**؛ یعنی یک ضربه آقا امیر امومنین علیه السلام در روز خندق، در مقابل عمر ابن عبد و د، از عبادت همه انسانها و جن‌ها، از اول عالم تا آخر عالم با فضیلت تر است. یعنی اگر این عبادات ارزشی هم داشته باشد، از نظر عالم ملکوت چیزی نیست؛ چون خیلی از آنها برای خودخواهی یا ترس یا دلایل دیگر است.

3- ما می‌دانیم که خداوند حکیم است و بدون دلیل کاری انجام نمی‌دهد و در نتیجه هر دستوری که داده حکمت‌های فراوانی دارد، اگر چه ما دلیل و پشت پرده را ندانیم و درک نکنیم.

4- معنی عبادت این است که انسان کاری به دستور خداوند و فقط به خاطر امر خداوند انجام دهد و اگر انگیزه‌های دیگر باشد فایده‌ای ندارد.

از این مقدمات نتیجه می‌گیریم که خداوند فواید و حکمت‌های موجود در عبادات را به ما نگفته، تا به این وسیله اعتماد و ایمان ما به خود را بسنجد؛ یعنی ما با اینکه نمی‌دانیم خداوند چرا این دستور را داده، ولی به او و حکمت او ایمان داشته باشیم و چون می‌دانیم خداوند بی دلیل چیزی را از ما نمی‌خواهد و اگر دستوری داده حکمتی داشته است، آن کار را انجام می‌دهیم، یعنی ما با انگیزه و نیت انجام فرمان خداوند عبادات را انجام دهیم.

یک پرسش و پاسخ آن

اگر فواید بی نهایت عبادات مثلاً نماز یا روزه را می‌فرمود چه اشکالی پیش می‌آمد؟

جواب: ممکن بود که ما نه به خاطر انجام دستور خداوند، بلکه به خاطر آن فواید آن عبادت را انجام دهیم.

مثال اول: یکی از بزرگان در یکی از بیمارستان‌های یک کشور اروپایی برای درمان بستری بود و بعد از مدتی که در بیمارستان بستری بود دید که یکی از بیماران بیمارستان کارهایی شبیه نماز انجام می‌دهد. از او پرسید که آیا شما مسلمانید؟ بیمار جواب داد: خیر. او گفت پس این کارها که شبیه نماز خواندن ما مسلمانان است را چرا انجام می‌دهید؟ آن بیمار پاسخ داد من مدتی است بیماری خاصی دارم و در این بیمارستان تحت درمان هستم. چند روز پیش پزشک معالج من گفت که اگر بتوانی کارهایی را که این فرد انجام می‌دهد دقیقاً مثل او انجام بدهی در درمان بیماریت مؤثر است، چون من تاکنون ورزشی با این پیشرفتگی و دقت ندیده‌ام و می‌تواند برای

شما مؤثر باشد و من از آن روز این کار را انجام می‌دهم و بسیار تأثیر گزار بوده. ولی اگر خداوند به ما می‌گفت که نماز ورزشی بسیار پیشرفته است، شاید ما دیگر نماز را به خاطر فرمان خدا نمی‌خواندیم و در این صورت، هر چقدر بیشتر نماز می‌خواندیم دیگر بنده بهتری برای خداوند حکیم نبودیم بلکه ورزشکار بهتری بودیم.

مثال دوم: یکی از دانشمندان غربی درباره امواج مضر الکترومغناطیسی که ما در این سالها به خاطر استفاده کردن از موبایل، تلویزیون، تلفن بی سیم، ماهواره و دیگر ابزار مدرن بسیار در معرض آنها قرار داریم، تحقیقی انجام داده است و آنرا به چاپ رسانده و در آن روشی را برای کاهش مضرات این امواج پیشنهاد کرده است. این روش از این قرار است که باید بر روی زمین بنشینید و دو دست خود را روی زمین بگذارید و دو زانوی خود را هم روی زمین بگذارید و سر خود را هم پایین بیاورید. بعد چند توصیه تکمیلی کرده و گفته که اگر پیشانی خود را بر زمین بگذارید بهتر است و اگر زیر پیشانی خود چیزی از جنس زمین بگذارید بهتر است و اگر بتوانید به طرف محور مغناطیسی زمین باشید باز هم تأثیر این روش بیشتر خواهد بود.

اگر کمی دقت کنید می‌بینید حالتی را که برای بدن معرفی می‌کند همان حالتی است که ما در هنگام سجده نماز داریم و در ضمن پیشنهاد گذاشتن پیشانی روی زمین یا چیزی از جنس آن همان گذاشتن مهر است و جهت محور مغناطیسی زمین هم همان جهت قبله است در حقیقت این دانشمند بعد از بررسی فراوان به کاری رسیده که قرن‌هاست مسلمانان جهان لااقل روزی ده بار آن را انجام می‌دهند.

البته نماز فواید بی‌نهایت دیگری نیز دارد که هنوز عقل بشر به آن نرسیده و بسیاری از آنها را اصلاً نمی‌تواند تا قیامت هم بفهمد. ولی ما نماز و هیچ عبادت دیگری را برای این فوائد انجام نمی‌دهیم و فقط به خاطر انجام دستور خداوند انجام می‌دهیم و می‌دانیم که خداوند بی دلیل چیزی را به ما نمی‌گوید و از ما نمی‌خواهد.

داستانی زیبا از اهمیت نماز

نماز اصلی ترین برنامه های تمام انبیاء الهی بوده است و در اهمیت آن همین بس که امام حسین علیه السلام در میدان جنگ سنگین در کربلا در ظهر عاشورا، در زیر رگبار تیرها و نیزه‌های دشمنان به نماز ایستاد و حتی دو تن از یاران ایشان در همین صحنه به خاطر دفاع از ایشان و دیگر نمازگزاران، در هجوم تیرها به شهادت رسیدند. بگذارید یک داستان جالب را که خداوند متعال در قرآن تعریف نموده است برایتان بگویم.

خداوند می‌فرماید: روزی اهل بهشت که در ناز و نعمت فراوان به سر می‌بردند و با هم با جملات زیبا سخن می‌گفتند و هر چیزی و هر کسی را که دوست داشتند در کنارشان بود. آنان مشغول صحبت بودند و با هم می‌گفتند: خوب است برویم و از دیگر مردم که با ما در دنیا زندگی می‌کردند و اکنون در جهنم در حال عذابند، خبر بگیریم.

وقتی رفتند دیدند که آنها در آتش بسیار سختی هستند، از شدت گرما صورتشان مثل گوشت بریان است و در عین حال آن آتش سیاه است و همه در تاریکی هستند و اینقدر جایشان تنگ است که حاضرند عذاب کنار

دستی خود را نیز تحمل کنند، فقط به شرط اینکه او برود و جایشان کمی باز شود و همه باهم با کلمات بد و به صورت وحشیانه صحبت می کنند و از شدت تشنگی آب می خواهند و به آنان آبی بسیار جوشان می دهند که از شدت بدبویی و تعفن، اگر یک قطره آن در دنیا بود، کل دنیا را بوی بد آن فرا می گرفت؛ با اینهمه باز هم می گویند: از همین آب بدبو و متعفن و مذاب به آنها بدهند و در کل شرایط بسیار بدی دارند.

تذکره: (سعی کنید این شرایط را به نحو مناسبی با فراز و فرودهای کلامی بهتر تصویر نمایید).
از آنها پرسیدند که چه شد که شما به این حال و روز افتادید؟ به آنها پاسخ هایی را می دهند که یکی از پاسخ هایشان این است که: **لَمْ تَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ**؛ ما از نماز گزاران نبودیم.¹

آری! نماز وسیله رسیدن به خداست و نه تنها برای دوری از آتش جهنم باید نماز خواند، بلکه برای بالا رفتن از نردبان انسانیت و رسیدن به مقامات بلند انسانی نیز باید به نماز تمسک جست؛ چون خداوند متعال در قرآن کریم در دو جا از سوره بقره می فرماید:

- **اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ**.
- **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ**.

یعنی خداوند راه را برای رسیدن به مقامات بالای انسانی و گذشتن از مشکلات زندگی به ما نشان می دهد؛ در هر جا و مشکلی اولاً صبر کنید و ثانیاً از نماز کمک بگیرید؛ یعنی برای رسیدن به مقامات بالا لزوم ندارد که راههای پیچیده را بدانی، بلکه با استعانت از نماز می توانید به هدفتان برسی!

مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه ای حفظه الله، همین مطلب را بسیار زیبا می فرماید که: هیچ وسیله ای مستحکم تر و دائمی تر از نماز برای برقراری ارتباط میان انسان و خدا نیست. مبتدی ترین انسان ها رابطه خود را با خدا به وسیله نماز آغاز می کنند. برجسته ترین اولیای خدا نیز بهشت خلوت خود با محبوب را در نماز می جویند.²

این مطلب بسیار مهم است که نماز تنها راه رسیدن به مقامات بلند معنویست و هر چند برخی می گویند که ما الان از این مراحل گذشته ایم و دیگر برای ارتباط با خداوند نیاز به نماز خواندن نداریم و بدون آن هم می توانیم با خدا ارتباط برقرار کنیم. ولی سیره اهل بیت و پیامبر بزرگ اسلام صلوات الله علیهم اجمعین نشان می دهد که آنان با اینکه در اوج عرفان و بالاترین مراحل انسانیت بودند، باز هم نماز می خواندند و می گفتند که این بهترین وسیله ارتباط با خداست.

در واقع نماز خواندن، نوعی ارتباط دائمی با برج مراقبت است که باعث می شود انسان سقوط ننماید و همیشه در راه درست و صحیح قدم بگذارد.

نکته: (می توان بحث هواپیما و ارتباط با برج مراقبت را تفصیلی تر و دقیق تر هم بیان کرد).

البته نماز خواندن قطعاً درجاتی دارد و هر کسی متناسب با مقام معنوی خود نماز می خواند؛ ولی دیدن حالات

¹ - « ما پایند به نماز بودیم»، (مدثر / 43).

² - نماز نشانه حکومت صالحان؛ ص 12؛ به نقل از نماز مناسب ترین پاسخ به اساسی ترین نیاز، ص 30.

بزرگان در هنگام نماز به ما می آموزد که نماز را باید چگونه خواند.

نمونه‌هایی از نماز بزرگان

چگونگی نماز خواندن اولیای دین، برای پیروان آن معصومین، درس آموزنده و الهام‌بخش و الگوست. در این جا به نمونه‌هایی از نماز آنان اشاره می‌شود.

• صدای اذان برای رسول خدا صلی الله علیه و اله چنان پرجاذبه و نشاط آور بود، که هنگام اذان به بلال

می‌فرمود: «**أَرِحْنَا يَا بِلَالُ**»؛ ای بلال، ما را از غم و اندوه و تلخی رهایی بخش.³

گویا با اینکه رسول خدا صلوات الله علیه و اله در تمام شؤون زندگی به یاد خدا بود و همه کارها را با نیت الهی انجام می‌داد؛ ولی باز هم وقتی فشار کار زیاد می‌شد، احساس تنگی سینه می‌کرد و منتظر بود که وقت نماز فرا برسد و به تعبیر ما سیم ملکوتی خود را متصل نموده و خود را از نظر ملکوتی و روحی و عرفانی شارژ کند و در حقیقت به وسیله نماز به ملکوت سفر کند و با تنفس در فضای ملکوتی، بتواند مشکلات مسیر سخت و ظایف الهی خود در راه هدایت مردم را طی کند.

و شاید برای همین بود که می‌فرمود: کسی که صدای اذان را بشنود و بی‌اعتنا بماند، جفا کرده است.⁴

• آقا امیر المومنین علی علیه السلام نیز چنین بود و هنگام نماز رنگ از چهره‌اش می‌پرید و می‌لرزید و

می‌فرمود: «**جَاءَ وَقْتُ الصَّلَاةِ، وَقْتُ أَمَانَةٍ عَرَضَهَا اللَّهُ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَيُّنَ أَنْ يَحْمِلَهَا**

وَ أَشْفَقْنَ مِنْهَا»؛⁵ وقت نماز رسیده، وقت امانتی که خدا بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها عرضه کرد، اما آن‌ها از قبول آن دوری کرده و ترسیدند.

یعنی او می‌دانست امانت انسانیت و نعمت داشتن مقام بلند انسانی بسیار بزرگ است و وقتی می‌توان آنرا درک کرد که به مقام ملکوتی و بلند انسانی رسید و این تحمل بار امانت الهی بزرگ‌ترین افتخار بشر است. به قول حافظ:

آسمان بار امانت نتوانست کشید قرعه فال به نام من دیوانه زدند

و امام می‌دانست که نحوه نماز خواندن نشانه بندگی است و هر چقدر بهتر نماز بخوانیم، نشان دهنده بالاتر بودن شأن انسانی انسان است و به خاطر همین در هنگام نماز این حالات به او دست می‌داد.

• امام سجاده علیه السلام همین که در نماز به جمله **يَوْمَ الدِّينِ** می‌رسید، آن قدر تکرار می‌کرد تا

بیننده خیال می‌کرد که آن حضرت در آستانه جان دادن قرار گرفته است. و نیز در سجده غرق عرق می‌شد.

• رسول خدا صلی الله علیه و اله هر گاه که وقت نماز فرا می‌رسید، گویا کسی را نمی‌شناخت و حال معنوی

³ - محجه البيضاء، ج 1، ص 377

⁴ - نهج الفصاحه، جمله 132.

⁵ - تفسیر صافی، ج 2، ص 370.

⁶ - بحار الانوار، ج 84، ص 247.

خاصی پیدا می‌کرد⁷ و می‌فرمود: گرسنه از غذا سیر و تشنه از آب سیراب می‌شود، ولی من از نماز سیر نمی‌شوم.⁸

• علی‌علیه‌السلام در جنگ صفین مراقب خورشید بود و گاهی به آسمان نگاه می‌کرد. ابن عباس علت آن را از وی پرسید. فرمود: برای این که نماز اول وقت از دستم نرود. گفت: حالا؟ فرمود: آری!⁹

یعنی ابن عباس تعجب کرده بود که در میدان جنگ چرا امام می‌خواهد حتما نماز را در اول وقت بخواند؟ در صورتی که امام می‌داند همه این جنگ و سختی کشیدن و شهید شدن، برای این است که بقیه افراد بشر نیز عبادت حق تعالی را بکنند و نماز بخوانند.

آری، آن گونه که ماهی‌ها از شنا کردن خسته نمی‌شوند، اولیای خدا نیز از عبادت و نماز خسته و ملول نمی‌شوند، بلکه با هر عبادتی شوق بیشتری جهت عبودیت و نیایش به درگاه خداوند می‌یابند.

• این حالات فقط در امامان نبود، بلکه در زمانهای نزدیک به ما و حتی در زمان معاصر ما کسانی هستند که هم خود به مقامات عالیه رسیدند و به همه توصیه کردند که از طریق نماز می‌توان به این مراحل رسید که نمونه بارز آن حضرت آیت الله بهجت رحمت الله علیه بود که حالات معنوی ایشان و حال ایشان در هنگام نماز مشهور است.

• حضرت آیت الله اراکی رحمت الله علیه نیز در هنگام نماز حالات خاصی داشتند و بعضی مواقع در رکوع یا قنوت نماز دعای کمیل می‌خواندند.

• یا اینکه در احوال یکی از بزرگان نقل شده که شبی در حرم امام رضا علیه السلام مشغول نماز شب شدند و خادم در کنار ایشان آتشدانی گذاشت تا وقتی نمازشان تمام شد آنرا روشن کنند و در این هوای برفی، سرما نخورند؛ چون فردی سالخورده بودند.

ولی وقت سحر که برگشت با کمال تعجب دید که پشت کمر ایشان برف زیادی جمع شده که نشان می‌دهد ایشان از اول شب که به رکوع رفته است هنوز در رکوع است و آنقدر مشغول عبادت بوده که متوجه اطراف نبوده است.

البته نکاتی که درباره بزرگان بیان می‌شود شاید برای ما باور نکردنی و یا غیر قابل دستیابی به نظر برسد، ولی باید بدانیم که برای نماز خواندن درجات بسیاری هست که ما هر چقدر توان داشته باشیم، باز راه وجود دارد که پیش برویم و این مسیر الهی تمامی ندارد.

کمال نماز

البته غیر از مراتب نماز که باید سعی کنیم به آن برسیم، نماز آدابی هم دارد که رعایت آن (هم‌چون مسواک، نظافت، عطر زدن، توجه به خدا و ...) در کمال این عبادت مؤثر است. و ما در پایان به چند نمونه از آن اشاره

⁷ - بحارالانوار، ج 84، ص 258.

⁸ - مستدرک الوسایل، ج 1، ص 174.

⁹ - سفینه البحار، ج 2، ص 44.

می‌کنیم.

1. حضور قلب

امام باقر علیه السلام فرموده است: «عَلَيْكَ بِالْإِقْبَالِ عَلَى صَلَاتِكَ فَإِنَّمَا يُحْسَبُ لَكَ مِنْهَا مَا أَقْبَلْتَ عَلَيْهِ»¹⁰ در نماز توجه به خدا داشته باش، زیرا از نماز آن مقدار قبول می‌شود که با توجه خوانده شود. سپس حضرت می‌فرماید: هنگام نماز با دست و سر و صورت خود بازی مکن، زیرا همه این کارها سبب نقص نماز می‌شود و در حالت کسالت، خواب‌آلودگی و سنگینی مشغول نماز مشو، زیرا چنین نمازی از آن منافقان است...¹¹

2. اول وقت

اول وقت خواندن نماز هم یکی از آداب نماز است که بسیار درباره آن سفارش شده. همانطور که می‌دانید امام رضا علیه السلام در زمانی زندگی می‌کردند که شبهات علیه اسلام بسیار زیاد شده بود و خلفای وقت هم این شبهات را دامن می‌زدند و مجالسی را تشکیل می‌دادند که در آن این افراد حضور می‌یافتند و شبهات خود را مطرح می‌کردند. امام رضا علیه السلام سعی داشت با شرکت در این جلسات جلو این شبهات بایستد و مانع انحراف مردم از دین شود.

داستان

در روایتی آمده که در یکی از مجالس مناظره امام رضا (ع)، "عمران صابی" که از دانشمندان برجسته بود، در مجلس حاضر شد و در حضور مأمون درباره توحید با امام رضا علیه السلام به بحث پرداخت، هر سؤالی که مطرح می‌کرد، امام با استدلال محکم جواب او را می‌داد؛ بحث و مناظره به اوج خود رسیده بود و کاملاً داغ شده بود.

در همین هنگام وقت ظهر فرا رسید. امام رضا علیه السلام همانندم به یاد نماز افتاد و به مأمون فرمود: الصلاة قد حَضَرَتْ¹². "وقت نماز فرا رسید."

عمران صابی گفت: یا سیدی لا تقطع علی مسألتی فقد رَقَّ قلبی؛ ای آقای من! دنباله بحث و بررسی و پاسخ به سؤال مرا قطع نکن (بنشین بعد از پایان بحث، برای نماز برو)، همانا دلم نرم شده (نزدیک است که بپذیرم). امام رضا علیه السلام (تحت تأثیر احساسات عمران صابی قرار نگرفت، و نماز اول وقت را فدای بحث و بررسی نکرد و) با کمال قاطعیت فرمود: نصلی و نعود؛ نماز را انجام می‌دهیم و باز می‌گردیم. امام با همراهان برخاستند، و نماز را خواندند، و پس از نماز به همان مجلس بازگشته و به بحث و بررسی ادامه دادند.

بسیاری از بزرگان تأکید فراوانی بر نماز اول وقت و فوائد معنوی آن دارند. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

10 - محجه البیضاء، ج 1، ص 354.

11 - همان.

12 عیون أخبار الرضا (ع)، ج 1، ص 172.

هنگام نماز از دنیا و آن چه در آن است مأیوس شو و تمام توجه خودت را به خدا قرار ده و به یاد روزی باشد که در برابر دادگاه عدل الهی قرار می گیری ...^{۱۳}

در حدیث می خوانیم: بعضی چنان در برابر خدا سبک سخن می گویند و نماز می خوانند که اگر با همسایه شان چنین حرف بزنند، جواب آن ها را نمی دهد.^{۱۴}

این روایت بسیار مهم و تکان دهنده است؛ چون در حقیقت وصف حال خیلی از ماست در هنگام نماز، که اصلاً حواسمان به نماز نیست و ما اگر اینگونه با حواس پرت با هر کسی صحبت کنیم او به ما توجه نخواهد کرد؛ ولی وقتی با خدا صحبت می کنیم انتظار داریم که او نماز ما را بپذیرد و قبول کند.

خیلی موارد جلو تلوزیون روشن نماز می خوانیم و همه حواس ما به آن است. گاهی در حال خواب آلودگی و کسل بودن نماز می خوانیم. خیلی موارد چون با رعایت مقدمات وارد نماز نمی شویم، حواسمان به مسائل و اتفاقات مختلف زندگی است و اصلاً به نماز توجه نمی کنیم. ما حتی با نزدیکترین دوست خود هم با این دلزدگی صحبت نمی کنیم و اگر چنین کنیم او از ما دلخور می شود.

در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و اله نقل شده: «رَكْعَتَانِ مِنْ رَجُلٍ وَرِعٍ أَفْضَلُ مِنْ أَلْفِ رَكْعَةٍ مِنْ مَخْلَطٍ»؛^{۱۵} دو رکعت نماز انسان باتقوا، برتر از هزار رکعت نماز فرد لاابالی است. یعنی در اینکه نماز با ارزش شود نه تنها خود نحوه نماز خواندن مهم است، بلکه شخص نماز گزار هم مهم است.

یعنی اگر آدم بدی یا لاابالی حتی اگر نمازش را بتواند خوب بخواند، ولی باز نماز آدم با تقوا و خوب از نماز آدم لاابالی بهتر است؛ یعنی نه تنها باید در هنگام نماز مواظب بود، بلکه برای اینکه نماز خوبی بخوانیم در تمام زندگی باید سعی کنیم آدم خوبی باشیم.

البته درباره نماز مطالب بسیار زیادی وجود دارد که در این فرصت محدود نمی گنجد و نیاز به جلسات بیشتر دارد.

ان شاء الله خداوند ما را از نماز گزاران واقعی قرار دهد.

والسلام

مؤسسه یاران سبز موعود عجل الله تعالی فرجه

معاونت پژوهش

به کوشش حجت الاسلام والمسلمین میر محمدیان

^{۱۳} - محجه البیضاء، ج 1، ص 382.

^{۱۴} - وافی، ج 2، ص 13.

^{۱۵} - نهج الفصاحه، جمله 1672.